

بررسی و شناخت انواع لحن و پیوند آن با مهارت‌های خوانداری در کتاب فارسی هشتم (دوره اول متوسطه)

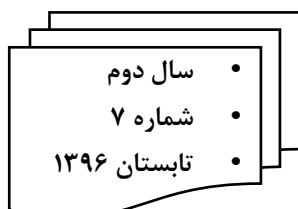
محمد امامی^۱

چکیده

لحن در ادبیات، عبارت از نگرش و احساس گوینده یا نویسنده نسبت به محتوای پیام ادبی است که با تکیه بر دیگر عناصر شعر از قبیل قالب شعر، معنی اصلی و ضمنی واژه‌ها، عبارت‌های برجسته، ساختمان جمله‌ها، وزن، هجاهای شعر، تصاویر توصیفی و صور خیال شکل می‌گیرد. در هر اثر ادبی یک یا ترکیبی از چند لحن اصلی و تعدادی لحن جزئی یا موضعی وجود دارد که از جهت ایجاد ارتباط بین شاعر و خواننده و نقش زیباشناختی که در اثر دارد از اهمیت والایی برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توان گفت: عدم درک صحیح لحن یک شعر یا نثر ممکن است خواننده را در درک ساختار متن و برقرار کردن رابطه بین اجزای متن یا اثر گمراه کند و از دریافت مفهوم و مضمون اثر بازدارد. در این مقاله ضمن بیان اهمیت عنصر لحن در فهم و تفسیر فارسی هشتم، به کاربرد انواع لحن نیز پرداخته شده است. بررسی در سه‌ای فارسی هشتم در دو محور عمودی و افقی بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که مؤلفان محترم این کتاب، برای پرورش مهارت خوانداری متن‌های مناسبی را گزینش کرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کلید واژگان: مهارت خوانداری، لحن، شعر، متن، فارسی.



۱. مقدمه

هر سخنی، اعم از نظم یا نثر را می‌توان یک واحد زبانی به حساب آورد که پیامی را از گوینده به خواننده می‌رساند اما این پیام دارای محتوای خبری نیست، بلکه ابزار انتقال تجربه است. حتی اگر شعر یا نثر ادبی نتیجه نیاز شخصی شاعر باشد و آن را در پاسخ به نیازهای درونی خود خلق کرده باشد با خوانش آن تجربه‌ای از شاعر یا نویسنده به خواننده یا مخاطب منتقل می‌شود و همین میزان و کیفیت انتقال تجربه است که یکی از ملاک‌های خوب و بدی اثر به حساب می‌آید.

به سخن دیگر اگر پس از خواندن شعر یا یک اثر ادبی، انتقال تجربه‌ای شکل نگیرد ممکن است خواننده از دریافت آن سخن ناتوان باشد یا آن سخن از توان رسانگی کافی برخوردار نباشد؛ بنابراین برای آنکه انتقال تجربه مطابق اراده گوینده و متناسب با انتظار مخاطب صورت پذیرد و مؤثر واقع شود، شایسته است سخنگو گفته‌های خود را با انتظارات خواننده و جنبه‌های بنیادی سخن از قبیل ایجاز، اطناب، حقیقت یا مجاز و ... که بافت موقعیتی ایجاب می‌کند همسو کند. افزون بر آن، چون زبان ادبی از عنصر عاطفه نیز برخوردار است، گوینده باید با حالت و نگرش عاطفی خود را هم با آن همراه کند. مخاطب نیز باید از مهارت درست خواندن و به تبع آن، حس دریافت نیز برخوردار باشد تا بتواند پیام هنرمندانه و عاطفی گوینده را آن‌چنان که اراده کرده است، دریابد.

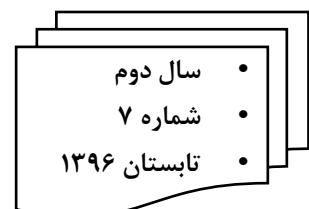
بر این اساس، یکی از عوامل مهم انتقال تجربه که گوینده و خواننده باید از کاربرد بجا و درک درست آن در ساختار شعر و نثر آگاه باشند رنگ‌آمیزی عاطفی کلام است که در اصطلاح ادبیات، لحن نامیده می‌شود. بر همین مبنا مقاله حاضر در تلاش است تا با بررسی و شناخت انواع لحن هم زمینه آشنایی بیشتر دانش‌آموزان، دانشجویان معلمان را با مقوله لحن و انواع آن آشنا سازد و هم به مقوله لحن در کتاب فارسی پایه هشتم بپردازد و موقعیت‌هایی که از این رهگذر بوجود می‌آید مورد کنکاش و تحلیل قرار دهد.

۲. بحث

۲.۱. لحن از نظر لغوی و اصطلاحی

لحن در لغت به معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله سربسته سخن گفتن، تعریض کردن در سخن، خطا کردن در خواندن، آواز خواندن و میل کردن به کسی؛ اما امروزه این واژه در اصطلاح ادبی معادل واژه انگلیسی tone به کار می‌رود و عبارت از «حالتی است که توسط گوینده به مخاطب القا می‌شود و از نوع ترکیب و واژگانی که گوینده به کار می‌برد ساخته می‌شود (گری، ۱۳۸۳: ۳۳۱).

به عبارت دیگر «لحن همان گرایش و حالت راوی است به سوی درونمایه شعر یا به سوی مخاطبان خودش؛ رنگ‌آمیزی عاطفی یا معنای عاطفی اثر است یا شیوه سرشار کردن شخصیت راوی است در سراسر شعر (پاشایی، ۱۳۷۹: ۳۰). بنابراین



لحن بیشتر با عواطف سر و کار دارد و مخاطبان از طریق لحن کلام گوینده متوجه می‌شوند که او چه رفتار احساسی نسبت به آنان دارد.

ای.ریچاردز لحن را چنین تعریف کرده است: «حالتی که در یک متن ادبی، نظرش را برای شنونده بیان می‌کند. لحن سخن او احساسش را نسبت به خواننده بیان می‌کند (ابرمز، ۱۳۸۴: ۲۶۵).

ابرمز همچنین از قول باختین می‌نویسد:

«لحن یا آهنگ صدا به دو جهت گرایش پیدا می‌کند؛ از طرف خواننده به مثابه یک همراه یا شاهد است و از طرف موضوع سخن همانند یک عضو سوم یا زنده است که آهنگ سخن او را سرزنش یا تلطیف می‌کند، بی اعتبار یا بزرگتر جلوه دهد (همان، ۲۶۶). در جایی دیگر می‌گوید: «نشانه‌های ظریفی که در سیاق سخن وجود دارند دریافت و نظرمان را نسبت به چیزهایی که درباره آنها صحبت می‌کنیم نشان می‌دهد (همان).

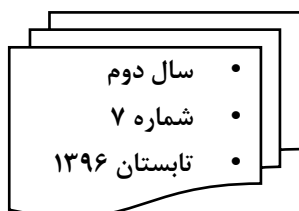
اهمیت لحن در دریافت معانی باطنی سخن تا آنجا اهمیت دارد که وین سی. بوث به جای لحن عنوان «مؤلف مستتر» را برمی‌گزیند و معتقد است: «مؤلف که ارزش‌ها، باورها و بینش اخلاقیش در سرا سر اثر همانند عوامل مسلط عمل می‌کند، خواننده را وادار می‌کند که به آن تأیید ذهنی بلند نظرانه که شعر یا رمان بدون آن فقط بازی با کلمات پیچیده بود، تن دردهد (همان، ۲۶۷).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان چنین برداشت کرد که در حقیقت لحن تظاهر لفظی و بیانی احساس و عاطفه گوینده است یا می‌توان گفت لحن برچسبی از احساس و عاطفه است که گوینده بر کلام خود می‌زند؛ مثلاً کلام خود را به گونه‌ای بیان می‌کند که از نوع واژه‌ها و ترکیب عبارات و جمله‌ها، آن حالت عاطفی یا تأیید بلند نظرانه که هنگام شکل گرفتن آن کلام بر گوینده عارض شده، همراه با آن به مخاطب منتقل شود. براین اساس لحن، سلوک شاعر است برای توصیف و برجسته‌نمایی موضوع و حس و حالی که توسط همه عناصر در شعر آفریده شده است (ارشدنژاد، ۱۳۷۷: ۷۵).

می‌توان زیباترین جلوه‌های رعایت لحن را چه در آثار گذشته ادب فارسی و چه در شعر معاصر مشاهده کرد؛ مانند لحن آمیخته با تحسر و اندوه در شعر زیر از رودکی-پدر شعر فارسی- که یکی از زیباترین و مناسب‌ترین کاربردهای لحن است:

مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود	نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود
سپید سیم زده بود و در و مرجان بود	ستاره سحری بود و قطره باران بود
یکی نمانده کنون زان همه، بسود و بریخت	چه نحس بود همانا که نحس کیهان بود

(رودکی، ۱۳۸۷: ۲۲).



۲,۲. عوامل ایجاد لحن

گاه نویسنده یا گوینده در نوشتار خود برای هدایت خواننده به لحن مورد نظر، لحن‌های غیر قابل نمایش را با یک عبارت توضیحی از قبیل «با لحنی متواضعانه گفت» یا «با لحنی غرورآمیز گفت» همراه می‌کند تا خواننده مفهوم کلام را بهتر دریابد. این اقدام مؤلف چندان پسندیده نیست و می‌توان گفت در مواردی نشانه ضعف او نیز هست. «نویسندگان و گویندگان زبردست لحن شخصیت‌های داستان را باید با پدید آوردن زمینه‌های مناسب، با تصویر کردن حالات عینی شخصیت و از همه مهم‌تر، با گزینش کلمات و درک نقش‌مندی آواهای ذهنی این کلمات که هنرمندانه و به جا جاندار شده‌اند، ایجاد می‌کنند (مندنی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

از آنجا که لحن با همه عناصر سبکی سر و کار دارد، باید گفت تقریباً همه عناصر شعر در ایجاد لحن دخیل‌اند؛ بنابراین برای ایجاد و یا دریافت لحن شعر می‌توان از قالب شعر، معنی اصلی و ضمنی واژه‌ها، عبارت‌های برجسته، ساختمان جمله‌ها، وزن هجاهای شعر، تصاویر توصیفی و صور خیال کمک گرفت.

۲,۳. برخی از عناصر مهم دخیل در لحن

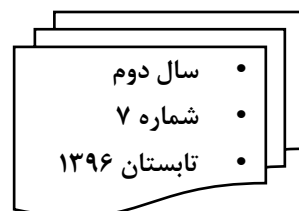
۲,۳,۱. قالب

یکی از عناصر شعر که می‌توان آن را عاملی در تعیین لحن دانست، قالب شعر است. اشعاری که در قالب «رباعی»، «قصیده» یا «مثنوی» سروده می‌شود، فرق دارد.

لحن غزل عاشقانه، ملایم، لطیف و حسرت‌آمیز است. ولی لحن قصیده با صلابت و سنگین و حماسی است. یا در «تغزل» چون شاعر در تکاپوی آن است که خواننده را برای شنیدن مطلب دیگری آماده کند، لحنی برمی‌گزیند که جذاب و شاد باشد ولی از غزل که عموماً قالبی برای بیان درد عشق و دوری و رنج‌های فراق است، لحن شاعر برخاسته از اندوه و حسرت است. بر همین مبنا شمیسا لحن را یکی از عوامل اختلاف غزل و تغزل دانسته، می‌گوید: «لحن تغزلات، شاد و لحن غزل غمگانه است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

لحن در قالب‌های دیگر شعر فارسی نیز ویژگی خاصی دارد، همچنان که وجه قالب در رباعی با لحن فلسفی و حکمت‌آمیز است و در هنگام خواندن آن نیز لحن به گونه‌ای است که با قرائت مصراع‌های اول و دوم در خواننده حالت انتظار پدید می‌آید و می‌خواهد بداند بعد چه می‌شود تا اینکه در دو مصراع بعدی بخصوص در مصراع چهارم این انتظار به سر می‌رسد، مانند:

تا در نرسد وعده هر کار که هست سودی ندهد یاری هر یار که هست
تا زحمت سرمای زمستان نکشد پرگل نشود دامن هر خار که هست



۲,۳,۲. آواهای خاص

اصوات تشکیل‌دهنده واژه‌ها مخصوصاً صامت‌های آغازین و پایانی واژه‌های کنار هم، نقش اساسی در ایجاد و کیفیت لحن دارد. ادا کردن عبارت «دار را آویختند» نشان می‌دهد که چگونه صامت «ر» در پایان و آغاز دو واژه «دار» و «را» موجب کندی لحن و بر عکس آن، در عبارت «دار آویخته شد»، واژه «آویخته» با امکان حذف همزه آغازین، موجب تندی لحن می‌شود. بر همین اساس گوینده، می‌تواند با همنشین کردن آواهای خاص، سرعت لحن را هماهنگ با محتوای شعر تنظیم کند (عمرانیپور، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

۲,۳,۳. واژه‌ها

واژه‌ها علاوه بر این که ابزار عینی کردن مفاهیم و تصاویر شعر هستند، در نمایش حس و حالت و ایجاد لحن نیز موثر هستند. تناسبی که لحن غم انگیز با واژه‌های «پاییز، غروب، غم، محزون، برگریزان، باد، زردی» و لحن شاد با واژه‌های «بهار، صبح، گل، نشاط و سبزی» دارد، غیر قابل انکار است. همچنین نقشی که واژه‌های خشن، کوبنده مربوط به جنگ در ایجاد لحن حماسی دارد، هیچگاه جایگاهی در لحن رمانتیک و عاشقانه ندارد.

۲,۳,۴. صور خیال

صور خیال مهم‌ترین عناصر برای بیان دریافت‌های حسی شعر شاعر است. صور خیال نه تنها وسیله بیان احساس واقع‌گرایی که همچنین مهم‌ترین عامل تغییردهنده لحن شاعر به شمار می‌رود. با توجه به عکس‌العمل عاطفی شاعر و نیز با توجه به حالتی که در برخورد با موضوعات مختلف به شاعر دست می‌دهد، عناصر سازنده تصاویر تغییر می‌کند. وقتی موضوعی شاعر را به خشم می‌آورد و او را سرشار از نفرت می‌کند، عناصر سازنده تصاویر شعری نیز متناسب با آن حاکی از نفرت می‌شود تا در القای تجربه شعری بیشترین تأثیر را در خواننده بگذارد (عمرانیپور، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

۲,۳,۵. وزن

تنوع و گوناگونی اوزان شعر فارسی ناشی از حالات گوناگون روحی و روانی شاعران است. هر یک از اوزان شعر فارسی مانند دستگاه‌های موسیقی با یکی از حالات روحی و روانی تناسب دارد. از سوی دیگر، چون لحن شعر نیز بیانگر حالت و احساس گوینده است، می‌توان گفت: وزن شعر با لحن آن رابطه تنگاتنگ دارد. به دلایل روشن و فیزیکی، اوزانی که سریعتر از حد معمول (یعنی سریعتر از ضربان عادی قلب) است مبین خوشحالی حرکت یا فوریت است و اوزانی که کندتر از حد معمول باشد معین افسردگی، غم و یا خستگی و کسالت است (هدف، ۱۳۶۵: ۱۰۹).

۲,۳,۶ کیفیت هجاها

لحن شعر متناسب با این که در آن هجاهای کوتاه یا بلند بیشتر بارز باشد، حالتی متفاوت پیدا می‌کند. معمولاً در جاهایی که شاعر دارای لحن هیجانی و پر شتاب است از هجاهای کوتاه بیشتر بهره می‌برد و آن هنگام که لحن او با وقار و کشیده است از هجاهای بلند و کشیده. مثلاً در ابیات زیر از شاهنامه که شاعر می‌خواهد خواننده را به تأمل وادارد، بیشتر از هجاهای بلند و کشیده استفاده کرده است:

به گفتار داندگان راه جوی به گیتی بپوی و به هر کس بگوی

ز هر دانشی چون سخن بشنوی ز آموختن یک زمان نغنوی

چو دیدار یابی به شاخ سخن بدانی که دانش نیاید به بن

(فردوسی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۴).

اما همانطور که پیشتر گفته شد، لحن بر دو گونه موضوعی و کلی تقسیم می‌شود. لحن‌های کلی عبارتند از:

۱- **لحن حماسی:** لحنی است کوبنده و پر صلابت به مربوط به بیان شجاعت، دلاوری‌ها و افتخارات است.

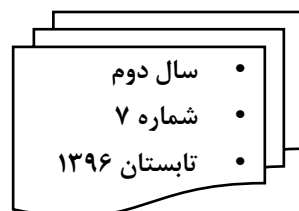
۲- **لحن غنایی:** بیانگر هیجان‌ها و احساسات را ستین و فردی و خاص است و عواطف را به خوشنوترین شکل خود بیان می‌کند. در لحن غنایی گوینده بیشتر از واژه‌هایی استفاده می‌کند که لطیف و ساده و هماهنگ و پرتنین هستند و در ترکیب خویش به موسیقی شعر کمک می‌کنند.

۳- **لحن تعلیمی و اندرزی:** در لحن تعلیمی، خواننده با حفظ روحیه نیک‌اندیشی و خیرخواهی، نرمی و ملایمت در گفتار را به کار می‌گیرد.

۴- **لحن عاطفی:** لحن عاطفی با احساسات، عواطف و خواست‌های انسان پیوند دارد. خوانش متن با این لحن، با کشش آوایی و نرمی آهنگ کلام و تکیه و درنگ‌های مناسب همراه است و با عواطف و احساسات لطیف بازگو می‌شود.

۵- **لحن توصیفی و روایی:** لحن توصیفی با هدف شرح و توصیف خصوصیات و ویژگی‌های پدیده‌ها به کار گرفته می‌شود. این لحن با آهنگی نرم و ملایم همراه است.

لحن‌های موضعی عبارتند از: بشارت‌بخش و شاد، طنزآمیز، تحذیر، شاکرانه و امیدوارانه، فروتنانه، مؤدبانه، دادخواهانه، مسؤولیت‌پذیر، دعایی، تحسین‌آمیز، تأکیدی، ستیزه‌گر و عصبانی، تشویق‌کننده، رکیک، استهزا، امیدبخش، پهلوانانه، پیروزمندانه، گزارشی، دستوری، گفت‌وگو و ...



۲,۴. مهم‌ترین نقش‌های لحن

۱- نقش زیبایی شناختی: مهم‌ترین عنصر ایجاد آثار ادبی، رشته صوت‌هایی است که بنابر قواعد و تمهیدات خاصی همنشین شده، ساختاری را پدید می‌آورند که از تأثیر زیبایی شناختی برخوردار است. وقتی ساختاری دارای تأثیر زیبا شناختی باشد، یقیناً عناصر سازنده آن جزء ذاتی تأثیر زیبا شناختی محسوب می‌شود. از این رو اصوات هر اثر ادبی نیز باید نقشی در تأثیر زیبا شناختی آن داشته باشد. اصوات به خودی خود هیچ گونه ارزش زیبایی شناختی ندارند. آنچه موجب می‌شود اصوات دارای نقش زیبایی شناختی شوند، تحقق شکل تازه‌ای از اصوات است که با عناصر فردی و شخصی گوینده اصوات آمیخته شود. بر این اساس می‌توان گفت «الگوهای صوتی کنار هم چیده شده با شکل ادا شده آنها به عنوان واحدهای زبانی دو مقوله مختلف هستند. تأثیر زیبا شناختی زمانی نصیب اصوات می‌شود که از حالت اولیه خود که صوت خالص هستند خارج شده با عناصر فردی آمیخته شوند. مهم‌ترین عناصر فردی که به اصوات افزوده می‌شود و سبب تأثیر زیبا شناختی آنها می‌گردد، دو چیز است: اول شیوه همنشینی اصوات، دوم لحنی که هنگام تلفظ به آنها افزوده می‌شود.

رنه ولک معتقد است «شعر موسیقی‌وار، بی‌آنکه تصویری کلی از معنی یا لحن عاطفی آن داشته باشیم وجود ندارد. حتی در ضمن گوش دادن به زبانی خارجی که آن را نمی‌فهمیم، صوت محض نمی‌شنویم، بلکه عادت‌های آوایی خود را بر آن تحمیل می‌کنیم یا آهنگ معنی‌داری را که گوینده یا خواننده به آن می‌دهد، می‌شنویم.» (ولک، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

۲- لحن؛ آیینه درون: از آنجا که بازتاب خلق و خوی هر کسی را در لحن آن می‌توان جست‌جو کرد، خواننده با دریافت لحن به درون اشخاص راه می‌یابد و از احوال مختلف و خلق و خوی شخصیت‌های داستان باخبر می‌شود. علاوه بر این، لحن وسیله تداعی اندیشه و احساس شاعر یا نویسنده در مخاطب یا خواننده اثر است. از این رو در برخی موارد می‌توان از طریق لحن به دستگاه فکری و فلسفی و بینش فردی و اجتماعی شاعر پی برد.

۳- لحن و سیله تمایز نوع ادبی: لحن علاوه بر القای حالت‌های عاطفی، احساسی، و سیله تمایز و تشخیص گونه‌های ادبی و انواع شعر و نثر نیز می‌شود. مثلاً در تشخیص تغزل که در آغاز قصیده می‌آید و غزل که یکی از قالب‌های مستقل شعر فارسی است، لحن یکی از عناصر بازشناسی آنها از یکدیگر است. بدین صورت که «لحن تغزلات شاد و و لحن غزل غمگانه است.» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

۴- لحن عامل پدیده‌آورنده حالت: لحن منجر به نوعی تأثیر عاطفی در خواننده می‌شود که «حالت» نامیده می‌شود. هنگامی که شاعر تجربه‌ای را حس می‌کند آن را با عواطف همراه کرده متناسب با انتظار خواننده به او منتقل می‌کند. با خواندن شعر، خواننده در احساس شاعر سهیم می‌شود و همچون او تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به آنچه شاعر عشق ورزیده، عشق می‌ورزد و از آنچه شاعر را متأثر ساخته، متأثر می‌شود. این تأثیرپذیری خواننده ناشی از حالتی است که به وسیله لحن و دیگر تمهیدات

هنرمندانه در او ایجاد شده است. به دنبال پدید آمدن چنین حالتی است که «خواننده در قالب احساس و اندیشه نویسنده، زندگی دیگری را با معنا و صورت دیگری آغاز می‌کند.» (گریس، ۱۳۸۱: ۸).

۲,۵. بررسی و کاربرد لحن و انواع آن در کتاب فارسی هشتم

سیاست آموزشی کتاب‌های درسی فارسی در دوره اول متوسطه در بخش مهارت‌های خوانداری، بیشتر بر ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی مانند لحن، تکیه، آهنگ و خرده مهارت‌های دیگر استوار است. این رویکرد تازه به محتوای آموزشی، از نقاط قوت کتاب‌های درسی در حال حاضر است. در طول دوره متوسطه اول دانش‌آموزان به تدریج با انواع لحن و نحوه به کارگیری آنها آشنا می‌شوند این رویکرد تازه به کتاب فارسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که زمینه درک درست را در جریان یاددهی- یادگیری فراهم می‌سازد.

در کتاب‌های فارسی دوره اول متوسطه یعنی از پایه هفتم تا نهم پرداختن به لحن و آشنایی دانش‌آموزان به صورت تدریجی آغاز شده است و در پایه نهم به اوج خود می‌رسد. در پایه هفتم، نخستین بار در درس دوم (چشمه معرفت) به صورت مستقیم از لحن سخن به میان آمده است. شناخت انواع جمله‌های پرسشی، عاطفی، امری و خبری نیازمند درک درستی از مفهوم لحن هر یک از این جمله‌هاست. در درس‌های دیگر کتاب فارسی در این پایه نیز کمابیش با مقوله لحن به صورت غیر مستقیم سر و کار داریم. اوج پرداختن به مقوله لحن در پایه هشتم اتفاق افتاده است روندی که در پایه نهم سیر تکاملی پیدا کرده است.

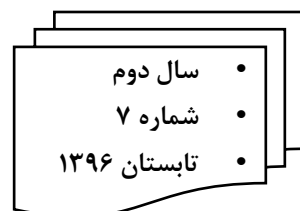
در پایه هشتم، از میان هفده درس کتاب فارسی، راه نیکبختی (صص ۴۴ و ۴۵)، درس هفتم آزادی (صص ۵۵ و ۵۶)، درس دهم پرچم داران (صص ۷۷ تا ۷۹)، درس سیزدهم یاد حسین (ص ۹۵)، درس شانزدهم پرنده آزادی (صص ۱۱۲ تا ۱۱۵)، به طور مشخص به لحن و انواع آن می‌پردازند؛ البته در درس‌های دیگر نیز، کم و بیش با ترکیبی از لحن‌ها سر و کار داریم که در ادامه به تک تک آنها اشاره خواهیم کرد.

۲,۵,۱. ستایش

در خواندن ستایش شاعر خداوند را به خاطر آفرینش بی‌همتا، قدرت بی‌نظیر و الطاف فراوانش می‌ستاید. لحن مناسب خوانش این‌گونه متن‌ها، با حالت متواضعانه و آهنگی ملایم همراه است.

۲,۵,۲. درس اول - پیش از این‌ها

این درس لحنی روایی دارد که به فراخور بیت‌ها از لحن توصیفی نیز بهره می‌برد. لحن روایی، لحنی است صمیمی که خواننده به هنگام بیان قصه یا حکایت یا داستان می‌کوشد با توجه به فضای داستان از لحن‌های دیگر نیز استفاده کند. گاهی



نیاز است لحن تعلیمی یا اندرزی نیز در آن جای گیرد و در جای دیگر لحن مناظره و پرسش و پاسخ در کنار لحن روایی وارد داستان شود. نیز زبان شعر امروزی و ساده و روان است به گونه‌ای که مخاطب به سادگی با شعر ارتباط برقرار می‌کند.

۲,۵,۳. درس دوم-خوب جهان را ببین! صورتگر ماهر

این درس شامل دو بخش نظم و نثر است. بخش اول (خوب جهان را ببین) لحن تعلیمی همراه با لحن توصیفی دارد و مترجم با جمله‌های ساده و قابل فهم و با واژگانی قابل درک با مخاطب ارتباط می‌گیرد. بخش دوم این درس (صورتگر ماهر) در قالب قصیده بیان شده است. لحن مناسب خوانش این متن، ستایشی است. لحن ستایشی مخصوص خداوند است و شاعر و نویسنده در آن خداوند را به خاطر آفرینش بی‌همتا، قدرت بی‌نظیر در خلق هستی و الطاف فراوانش می‌ستاید. در این هنگام خواننده نیز باید خود را موجودی از آفریده‌های او بداند که تسلیم او و شاکر بخشش‌ها و آفرینش اوست.

۲,۵,۴. درس سوم-ارمغان ایران

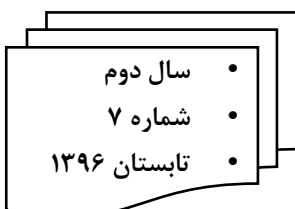
لحنی که در این درس غالب است، لحن روایی و تعلیمی همراه با آهنگ و کششی است که غرور ملی را برمی‌انگیزاند و مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به لحن حماسی نزدیک می‌شود. لحن حماسی که مربوط به بیان شجاعت و دلوری است. دارای لحنی محکم و استوار، پرطنین و آهنگی خیزان که وقتی خواننده به مصوت‌های بلند می‌رسد به ویژه در پایان مصراع باید به امتداد آوای خویش بیفزاید. واج چرخشی (ر) به خصوص به هنگامی که مشدد است باید بیش از حد معمول فشرده و قدرتمند ادا گردد. سعی بر این است که مخاطب هرگونه تردیدی را کنار بگذارد و به شدت به هیجان آید.

لحن میهنی یا وطنی که زیر مجموعه لحن حماسی می‌تواند باشد، لحنی کوبنده دارد و در مواردی هم تحت تأثیر الحان دیگر قرار می‌گیرد و لحنی تلفیقی پیدا می‌کند. واژگانی چون ایران، سرزمین، بزرگ‌ترین، آبادترین، سپید، فر، فروغ، فرزادگی و فرهیختگی، داد و دانایی، آزادگان، ارجمند، نژاده، پرفروغ، نستوه و... بر مایه‌های حماسی و غرورآمیز تکیه دارند.

۲,۵,۵. درس چهارم-سفر شکفتن

اگر این درس با لحن تعلیمی-روایی خوانده شود، مضمون آموزه‌های آن، اثربخش‌تر است. این نوع لحن با گویشی آرام و آهسته در دل شنونده نفوذ کرده و نکات مهم خوب و به‌زیستن را به مخاطب خود القا می‌کند. در این گونه متون، نویسنده یا شاعر برای اثربخشی مضمون خود از اقوال حکما و عرفا نیز استفاده می‌کند.

در ادامه این درس، «شرح انتظار» غزلی از سروده‌های شاعر معاصر «مهدی جهاندار» آمده است. درونمایه این غزل، دلتنگی، انتظار و آرزوی شاعر را نسبت به ظهور امام زمان، حضرت ولی عصر (عجج) بیان می‌کند خوانش این شعر با آهنگ کششی و نرم و لحن مناسب آن با حالت دلتنگی، منتظرانه و متواضعانه همراه است.



۲,۵,۶. درس پنجم-راه نیک‌بختی

هر متنی دارای لحن مناسب خویش است و حال و هوای متن، تعیین‌کننده نوع خوانش مناسب آن. در این درس با لحن پدری مهربان و با تجربه روبه‌رو هستیم که به شکل مستقیم تجربیات گرانقدر خویش را به فرزند خود انتقال می‌دهد و او را در مسیری که پیش رو دارد، راهنمایی می‌کند و تعلیم می‌دهد. در متن‌های تعلیمی و اندرزی شاعر با زبانی ساده و روان اصول تعلیمی و تربیتی یا راه و رسم سبک عالی زندگی را بیان می‌کند و خواننده در خوانش این نوع آثار- که محتوای اندرزی دارند- باید از آهنگی ملایم و بیانی پندگرایانه بهره جوید؛ به گونه‌ای که شنونده احساس کند که خود، مخاطب آن اندرز یا بیان‌کننده محتوای اندرزی است.

۲,۵,۷. درس ششم-آداب نیکان

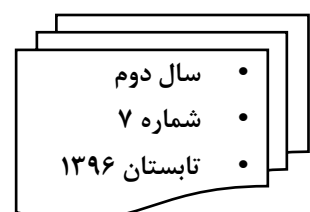
متن این درس، دو بخش است: بخش اول از کتاب «جامع التمثیل» گزینش شده و بخش دوم را اکبری شلدیره، نگاشته است. مضمون و محتوای هر دو بخش، اخلاق فردی و اجتماعی را نشانه گرفته است. لحنی که در بخش اول این درس، برای خوانش مناسب پیشنهاد می‌گردد، لحن روایی همراه با فراز و فرود دیالوگ‌های متن و کشش‌ها و درنگ‌های هر جمله است. متن دوم لحنی روایی و تعلیمی دارد و نویسنده بر آن است تا مخاطبانش را که در معرض خطرات دستاوردهای جدید علمی معاصر قرار گرفته‌اند، پدرا نه بی‌اگاهاند و راه درست و صحیح استفاده از این ابزارها را فراروی آنها قرار دهد.

۲,۵,۸. درس هفتم-آزادگی

شعر آزادگی جامی، ساختاری داستانی و برخوردار از لحنی روایی به همراه خرده لحن‌های ستایشی یک نفره (مونولوگ) و پرسش و پاسخ یا مناظره دو نفره (دیالوگ) است. در این متن از لحن استفهام انکاری مانند دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟ سود جسته است (این نوع لحن پیشتر در پایه هفتم معرفی شده است).

۲,۵,۹. درس هشتم-نوجوان باهوش

این درس از سه پاره تشکیل شده است و لحنی روایی دارد که به فراخور متن، از خرده لحن‌های پرسش و پاسخ دو نفره و لحن توصیفی نیز بهره می‌برد. متن‌های این درس، وقایع و حکایت‌های داستان‌گونه‌ای هستند که به شیوه غیر مستقیم آموزه‌هایی مانند تشویق به کسب علم و دانش، تلاش در راه هدف‌های ارجمند، دوری از جهل و نادانی ... را در خود جای داده‌اند.



۱۰، ۵، ۲. درس نهم - قلم سحرآمیز

این درس دو بخش دارد که لحن غالب آن، روایی و توصیفی با آهنگی نرم و ملایم است و نویسنده در آن به بیان دو واقعه تاریخی ایران زمین اشاره می‌کند. خوانش این گونه متن‌ها لازم است به شیوه مناسبی که لحن متن القا می‌کند انجام شود تا تأثیرگذاری آن بیشتر شود.

۱۱، ۵، ۲. درس دهم - پرچم‌داران

شعرهای میهنی، برای بیان حسِ غرور، عظمت و افتخار ملی سروده می‌شوند. به هنگام خواندن این گونه متن‌ها باید با حفظ استواری کلام و تأکید بر واژگان کلیدی متن، همچون «وطن...» لحن مناسب و آهنگ حماسی را به کار گرفت. متن این درس ترکیبی از نظم و نثر است که بخش پایانی آن (شعر ادیب) جهت تثبیت محتوا با بخش نثر پیوند خورده است.

۱۲، ۵، ۲. درس یازدهم - شیر حق

این درس با ترکیبی از لحن‌های تعلیمی، توصیفی و خرده‌لحن‌های دیگر خوانده می‌شود.

بیت اول:

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزّه از دغل

با لحن تعلیمی، بیت‌های دو تا پنجم:

در غزا بر پهلوانی دست یافت زود شمشیری برآورد و شتافت

او خدو انداخت بر روی علی افتخار هر نبی و هر ولی

در زمان انداخت شمشیر آن علی کرد او اندر غزایش کاهلی

گشت حیران آن مبارز زین عمل وز نمودن عفو و رحم بی محل

با لحن توصیفی، بیت‌های ششم، هفتم و هشتم با خرده‌لحن‌های ویژه جمله‌های خبری و پرسشی، و بیت‌های پایانی دوباره با لحن تعلیمی خوانده می‌شوند.

۱۳، ۵، ۲. درس دوازدهم - ادبیات انقلاب

درس ادبیات انقلاب از یک عنوان اصلی و یک عنوان فرعی که در راستای پیام و مضمون عنوان اصلی است؛ شکل گرفته است. جمله‌های این درس جمله‌های خبری هستند و در جهت آگاهی دادن به مخاطب نوجوان به کار رفته‌اند و با این ویژگی لازم است از لحن تعلیمی مناسبی برای خوانش متن بهره گرفت.

۱۴، ۵، ۲. درس سیزدهم - یاد حسین (ع)

در این درس به حماسه بزرگ عاشورا، امام حسین (ع) و یاران جان بر کف ایشان روبه‌رو هستیم. حال و هوای این قصیده، جان مخاطب را از عظمت هولناکی این واقعه تاریخی، متأثر می‌کند و حسرت و اندوه و افسوس را در خوانش او به جا می‌گذارد.

لحن مناسب این متن، سوگوارانه و غمگنانه است. خواننده هنگام خوانش این اثر، به این حالت باید توجه کند و با قرار دادن خود در آن حال و موقعیت، متن را با لحن مناسب بخواند. دانش‌آموزان و معلمان محترم بایسته است در هنگام خواندن این شعر، با ظرافت تمام نهایت احساس متن را به مخاطب منتقل کنند. بر این اساس، خوانش می‌باید با حالت تأثر و با آهنگی آرام باشد تا در جان مخاطب تأثیر عمیق خود را بگذارد.

۱۵، ۵، ۲. درس چهاردهم - پرنده آزادی

همچنان که پیشتر ذکر کردیم، در هر متنی ممکن است انواع لحن‌های خوانش به کار رفته باشد. بنابراین، خواننده متن باید دقت کند که هر بند یا جمله را با آهنگ و لحن مناسب همان بند، یا جمله بیان کند. در خوانش درس «پرنده آزادی» لحن‌های حماسی، توصیفی و عاطفی به چشم می‌خورد.

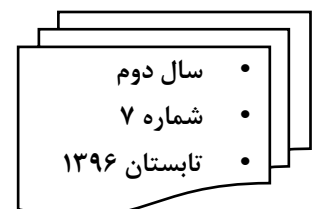
در این شعر، بند اول و دوم با حالت توصیفی - عاطفی و بند سوم شعر با حالت حماسی با آهنگ خیزان و وزبانی محکم و با صلابت خوانده می‌شود.

در شعر بعدی (کودکان سنگ) لحن‌های غالب، توصیفی، روایی و غرورآمیز است.

۱۶، ۵، ۲. درس شانزدهم - راه خوشبختی

لحن‌های مناسبی که نیاز است در این درس به آنها توجه شود عبارت‌اند از: لحن تعلیمی، روایی و توصیفی.

نیایش



در خواندن نیایش نیز خواننده باید خاکسارانه و با شوقمندی و نیاز به درگاه خداوند تضرع نماید. لحن او می‌بایست فروتنانه و آهنگی افتان داشته باشد. از ظرافت و لطافت آهنگ صدا که متناسب با نیاز اوست، نباید غفلت نمود.

تحلیل غزل یاد حسین (ع) با تکیه بر لحن

۱	شد چنان از تَفِ دل، کام سخنور، تشنه	که رویف نخش آمده یک سر، تشنه
	خشک گردید هم از دودِ دل و دیده، دوات	خامه با سوز، رقم کرد به دفتر تشنه
	آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا	بود آن خسرو بی لشکر و یاور تشنه
	با لب خشک و دل سوخته و دیده تر	غرقه بحر بلا بود در آن بر تشنه
۵	همچو ماهی که فند ز آب برون، آل نبی	می‌تپیدی دلشان، سوخته در بر تشنه
	آل احمد همه عطفان ز بزرگ و کوچک	نسل حیدر همه از اکبر و اصغر تشنه
	تشنه لب کشته شود در لب شط از چه گناه	آنکه سیراب کند در لب کوثر تشنه؟
	برو عباس جوان، ره چو سوی آب فرات	ماند بر یاد حسین تا صف محشر تشنه
	کشت از کلک «فدایی» چو دلت دود بلند	بر ورق کرد رقم، بس که مکرر تشنه

فدایی مازندرانی

این غزل با بیان و لحنی سوگوارانه، سوزناک، اندوهناک و عاطفی سروده شده است. شاعر با بهره‌گیری از واژه «تشنه»، تصویری از حس و حال عمومی گسترده در واقعه عاشورا سال ۶۱ هجری ارائه کرده است.

تکرار مناسب این واژه، فریاد «العطش» را در سراسر فضای موسیقایی شعر نشان می‌دهد. طنین ردیف «تشنه»، تصویر مورد نظر شاعر را در ذهن و زبان خواننده و شنونده مجسم می‌نماید و بر بار عاطفی و احساسی کلام گوینده می‌افزاید.

کلمات و ترکیبات «تَفِ دل، سوز، تشنه، خشک، دودِ دل، دیده، آه، بلا، تر، سوخته، عطشان و ...» در خدمت لحن سوگوارانه شعر هستند.

وزن شعر نیز- که وزنی بلند و آرام است (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)- در القای لحن سوگوارانه بی‌تأثیر نیست. چرا که مخاطب با شنیدن این آهنگ ملایم و طولانی ترغیب می‌شود که درباره آنچه می‌شنود تفکر کند. همچنین شاعر با بهره‌گیری از تکیه، مکث و درنگ سعی دارد مخاطب را به تأمل وادارد. مصراع بیت اول (شد چنان از تف دل کام سخنور تشنه)، بیت دوم (خشک گردید هم از دود دل و دیده دوات/ خامه با سوز، رقم کرد به دفتر تشنه) نمونه‌ای از این درنگ است که شاعر استادانه با این درنگ‌ها مخاطب را به تفکر و تأمل فرا می‌خواند.

همانطور پیشتر ذکر کردیم بهره‌گیری بجا و مناسب از واژگان نیز در القای لحن حسرت‌آمیز و پرافسوس مؤثر است. استفاده از واژه «تشنه» در ردیف شعر نیز بر تأثیر هر چه بیشتر حس و حال سوگوارانه و غمگنانه شعر افزوده است.

صور خیال به کار رفته در این قصیده نیز مؤید مفهوم حسرت و اندوه است؛ از جمله خشک شدن دوات از دود دل و دیده، دشتِ بلا، بحر بلا، لبِ کوثر، و ... به گونه‌ای در خدمت لحن هستند.

در آغاز شعر، دو ترکیب «تفِ دل» و «کام تشنه» از بیان روایی قوی برخوردار هستند؛ پیدا ست که تشنگی کام سخنور، حاصل تفِ دل و سوز درون اوست اما این «تفِ دل» از کجا حاصل شده است؟ این تعلیق و گره افکنی در آغاز سروده، یکی از نقاط قوت شعر است که بر لحن منتظرانه و پی‌جویی‌های ذهنی و جاذبه و گیرایی شعر می‌افزاید.

این شعر نمونه‌های اعلائی نگاره‌ها و تصاویر شعری است و جانمایه کلام و حلقه اتصال مشترک بین تمامی ویژگی‌های شعری، رویکرد و بهره‌گیری از لحن سوگوارانه است. درد داغ و فراق و مصیبت سال ۶۱ هجری، همه گیر است. شاعر بر هر چه می‌نگرد، نشانی از سوگ واقع کربلا را بر پیشانی آن می‌بیند و از همین دید تأثیر بار خود به بازخوانی و روایتی غمگنانه و سوگوارانه می‌پردازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳. نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا به ضرورت آشنایی با مقوله لحن در مهارت‌های خوانداری اشاراتی شد و هم لحن از نظر لغوی و هم از نظر اصطلاحی به طور تفصیلی بیان شد. سپس لحن را به دو بخش کلی و موضعی تقسیم کردیم و راجع به هر کدام توضیحاتی ارائه دادیم. در ادامه عوامل دخیل در ایجاد لحن را برشمردیم و نشان دادیم که لحن چه نقش‌های زیبایی‌شناختی و ادبی دارد. بعد از آن دروس کتاب فارسی را به صورت تک تک مورد بررسی قرار دادیم و لحن خوانش هر یک را عنوان کردیم. سپس برای نمونه لحن یکی از شعرهای کتاب فارسی را مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم و نشان دادیم که یک شاعر چگونه و با چه ابزارهایی می‌تواند لحن خاصی را به خدمت بگیرد و اندیشه‌ها و عواطف و احساسات گوناگون و تخیلات دورپرواز خود را چنان به دیگران منتقل کند که آنان نیز همان حال و انفعال را پدید آورند. از این رهگذر برآن شدیم تا دانش آموزان در ضمن آشنایی فنی با مقوله لحن با خوانش درست هر یک از درس‌های کتاب فارسی خود آشنایی بیشتری پیدا کنند.



منابع

ابرمز، ام، جی. (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*، ترجمه سعید سبزیان، تهران: رهنما، چاپ هفتم.

میرصادقی، جمال. (۱۳۸۰). *عناصر داستان*، تهران: سخن، چاپ چهارم.

حمیدیان، سعید. (۱۳۷۲). *درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی*، تهران: نشر مرکز.

رودکی، دیوان *شعر رودکی*. (۱۳۷۸). تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران: مه‌مینا، چاپ چهارم.

مندنی پور، شهریار. (۱۳۸۳). *ارواح شهرزاد، سازه‌ها، شگردها، و فرم‌های داستان نو*، تهران: ققنوس.

شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). *انواع ادبی*، تهران: فردوس، چاپ ششم.

هوف، گراهام. (۱۳۶۵). *گفتاری درباره نقد*؛ ترجمه نسرین پروینی، تهران: امیرکبیر.

عمران پور، محمدرضا. (۱۳۸۴). *عوامل «ایجاد»، «تغییر و تنوع» و «نقش» لحن در شعر*، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، شماره ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان.

